

## Macro-Regional Trends and Development Prospects in The Middle East

Kazemi, H. <sup>1\*</sup>  
Nezami, M. <sup>2</sup>

Received on: 27/12/2019  
Accepted on: 11/09/2019

### Abstract

The purpose of this article is to outline the future development perspective in the Middle East region, based on identifying current trends in the region. Based on the trend analysis model in futures studies, drawing a wise vision of the future of a country, region or world depends on identifying and analyzing current macro trends at each of these levels. Large scale developments are those fundamental changes that have a high range and domain of influence in the light of which the future is built. According to the above approach, the paper identifies five major trends in the Middle East region, focusing on the post-2003 period: 1. Intensification of regional unrest; 2. The crisis of the nation-state structure and the formation of fragile and failed states; 3. Exacerbating environmental crises; 4. Changes in the pattern of energy production and consumption and the decline of the Middle East position in global energy supply; 5. Outflow of human and material capital and the crisis of accumulation. While describing each of these processes, the article seeks to show that these critical trends are intertwined and intensify each other and will likely increase in size in the coming years. The conclusion of the article is that in the context of such macro-trends, it can be expected that the development outlook for most of the countries in the region in the coming years will be gloomy.

**Keywords:** Future Research, Middle East, Macro Trend, Development, Crisis.

---

1\*. Assistant Professor of Political Science, University of Tehran.

(Corresponding Author: Hkazemi57@ut.ac.ir)

2 . PhD in Regional Studies, University of Tehran. (Email: M.nezami1501@gmail.com)

## روندهای کلان منطقه‌ای و چشم‌انداز توسعه در خاورمیانه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

حجت کاظمی<sup>۱</sup>\*

مریم نظامی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این مقاله ترسیم چشم‌انداز آتی توسعه در منطقه خاورمیانه، بر اساس شناسایی روندهای جاری در منطقه است. بر اساس الگوی تحلیل روند در مطالعات آینده‌پژوهی، ترسیم چشم‌اندازی عالمانه درباره آینده یک کشور یا منطقه یا جهان، منوط به شناسایی و تحلیل کلان‌روندهای جاری در هر یک از این سطوح است. کلان‌روندها آن دسته از تحولات بنیادین را شامل می‌شوند که دامنه و گستره تأثیر بالایی دارند و آینده در پرتو آنها ساخته می‌شود. مطابق رویکرد فوق، مقاله با تمرکز بر مقطع زمانی پس از سال ۲۰۰۳، پنج کلان‌رشد را در سطح منطقه خاورمیانه شناسایی کرده است: ۱. تشدید آشوب منطقه‌ای؛ ۲. بحران ساختار دولت-ملت و شکل‌گیری دولت‌های شکننده و شکست‌خورده؛ ۳. بحران‌های زیست‌محیطی تشدید شونده؛ ۴. تحول در الگوی تولید و مصرف انرژی و افول موقعیت خاورمیانه در تأمین انرژی جهانی؛ ۵. خروج سرمایه‌های انسانی و مادی و بحران انباشت. مقاله ضمن تشریح هر کدام از این روندها، در پی نشان دادن آن است که این روندهای بحرانی خصیصه درهم‌تنیده داشته و یکدیگر را تشدید می‌کنند و به احتمال زیاد در سال‌های آینده بر ابعاد آنها افزوده خواهد شد. نتیجه‌گیری مقاله آن است که بر بستر چنین کلان‌روندهایی می‌توان انتظار داشت که چشم‌انداز توسعه برای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه در سال‌های آتی تیره‌وتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، خاورمیانه، کلان‌روند، توسعه، بحران.

مقاله پژوهشی

صفحه ۱۳۰-۱۰۵

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: Hkazemi57@ut.ac.ir)

۲. دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (M.nezami1501@gmail.com)

## مقدمه

توسعه از اصلی‌ترین اهدافی است که کشورها در پی تحقق آن هستند. در پرتو روند منظمی از توسعه است که کشوری می‌تواند انتظار کاهش فقر، ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی و افزایش قدرت ملی را داشته باشد. پایش وضعیت و چشم‌انداز توسعه‌ای می‌تواند در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی صورت گیرد. نگاهی گذرا به آمارهای صندوق بین‌المللی پول (IMF) نشان می‌دهد که طی یک دهه گذشته، میانگین رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، جز در موارد استثنایی، همواره از نرخ رشد گروه کشورهای «آسیای درحال توسعه و نوظهور» و «اقتصادهای درحال توسعه و بازارهای نوظهور»، «آسه آن ۵»، «آفریقای زیر صحرا» و نهایتاً میانگین رشد جهانی، بسیار پائین تر یا پایین تر بوده است.<sup>۱</sup> تعداد قابل توجهی از کشورهای منطقه، در سایه جنگ‌های خون‌بار، با توسعه زدایی و برخی چون ایران، در سایه تحریم‌های مداوم، با نوسان شدید در آهنگ رشد روبرو بوده‌اند. سؤال این مقاله این است که آینده توسعه در خاورمیانه چیست؟ چگونه می‌توان به حدسی عالمانه در مورد چشم‌انداز توسعه منطقه خاورمیانه در سال‌های آینده دست‌یافت؟ دیدگاه ما آن است که درک «آینده احتمالی» توسعه در منطقه خاورمیانه از طریق شناسایی و تحلیل «کلان‌روند» های<sup>۲</sup> منطقه‌ای ممکن است. تحولاتی بنیادین با گستره و دامنه تأثیر بالا که آینده در پرتو آن‌ها ساخته می‌شود. بر این اساس فرضیه ما آن است که کلان‌روندهای جاری در منطقه و منطق درهم‌تنیده آن‌ها، نه تنها فضای مناسبی را برای توسعه کشورهای خاورمیانه در یک دهه آتی ایجاد نمی‌کنند، بلکه زمینه‌ساز تخریب و فرسایش بیشتر در منطقه خواهند بود.

در این مقاله ما ابتدا رویکرد تحلیلی خود را در مباحث آینده‌پژوهی طرح خواهیم کرد. سپس کلان‌روندهای کنونی در خاورمیانه شناسایی و با اطلاعات موجود مستند خواهند شد. نهایتاً تلاش خواهیم کرد تا برحسب تحلیل منطق هم‌جوشی و تلاقی این روندها با یکدیگر به حدسی پیرامون آینده احتمالی توسعه در خاورمیانه دست یابیم. هدف نهایی این مطالعه برداشتن گامی در راستای کسب درکی معقول از افق توسعه در محیط پیرامون ایران است. چنین درکی از آن جهت اهمیت دارد که مطابق تجربه تاریخی توسعه در مناطق مختلف، سرنوشت توسعه یک کشور از وضعیت محیط

۱. آمارها در ذیل گزارش های سالیانه با عنوان (World Economic Outlook Database) در سایت IMF در دسترس است.

پیرامونی آن تأثیر شدیدی می‌پذیرد.

## الف - پیشینه تحقیق

گمانه‌زنی درباره آینده خاورمیانه، موضوع همیشه حاضر محافل علمی و غیرعلمی است. هر ساله نهادهای مختلف بین‌المللی از جمله نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل، نهادهای فعال در حوزه توسعه، انرژی، امنیت و تروریسم، حقوق بشر، مهاجرت، تغییرات اقلیمی و... و هم‌چنین سازمان‌های مشاوره‌دهنده، در حال تولید گزارش‌هایی پیرامون آینده منطقه خاورمیانه هستند. برخی از این گزارش‌ها از منظر شناسایی تحولات کلان به آینده‌پژوهی خاورمیانه پرداخته‌اند. به عنوان مثال شرکت چندملیتی پرایس واترهاوسکوپرز (PwC) در گزارشی پنج کلان‌روند اصلی منطقه‌ای را شناسایی کرده است که «آینده منطقه را شکل خواهد داد». تغییرات اجتماعی و جمعیتی، تغییر در ساختار قدرت اقتصادی جهانی، شهرنشینی سریع، تغییرات آب‌وهوایی و محدودیت منابع و نهایتاً پیشرفت تکنولوژی (PwC, 2016).

آنچه از مرور این مطالعات برمی‌آید آن است که هر تحقیقی بنا بر هدف خود بر ابعاد و روندهایی خاص تأکید می‌کند که می‌تواند «دلبخواهانه و خودسرانه جلوه کند» (نیزبت و آبردین، ۱۳۷۶: ۱۱). به‌واسطه آنکه مسئله مورد نظر این مقاله، از میان انبوه تحولات و روندهای جاری، تنها آن مواردی را بررسی کرده‌ایم که به نظر ما دارای ویژگی‌های «کلان‌روند» هستند و بیشترین تأثیر را بر چشم‌انداز توسعه‌ای خاورمیانه برجای می‌گذارند. در گزینش این روندها، به این نکته توجه داشته‌ایم که محیط مناسب یا نامناسب برای توسعه، محصول تلاقی متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. توجه هم‌زمان به این حوزه‌ها و کوشش برای درک افق توسعه بر حسب نحوه هم‌جوشی آن‌ها را شاید بتوان نوآوری این مقاله دانست.

## ب- چارچوب نظری: آینده‌پژوهی مبتنی بر کلان‌روندها

آینده عرصه ناشناخته‌هاست و تمایلی همیشگی برای کسب شناخت از این عرصه در انسان‌ها وجود داشته است. آینده‌پژوهی دانشی است که می‌کوشد تا به شناختی علمی، روشمند و معتبر از آینده دست یابد (برای گزارشی از روند تحولات این علم، نک: Bell, 2004: 1-72). آینده‌پژوهان الگوها و روش‌های متنوعی را برای آینده‌پژوهی علمی شکل داده‌اند که شامل روش‌هایی چون مدل‌سازی، شبیه‌سازی، سناریونویسی و... می‌شود (کورنیش، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۱۴: ۱۳۳-۱۵۶). یکی از

جذاب‌ترین الگوها برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری آینده محتمل از متن وضعیت کنونی، الگوی «تحلیل روند»<sup>۱</sup> است. در این اسلوب پژوهشی پژوهشگر می‌کوشد تا با اتخاذ موضعی تاریخی و استفاده از داده‌های متنوع (اعم از مشاهده، اسناد، مصاحبه، پیمایش و...)، اصلی‌ترین، بنیادی‌ترین و پایدارترین الگوهای تغییر را در متن انبوه تحولات و رویدادهای گذشته و حال را یافته و به اتکای آن‌ها دست به ارائه چشم‌اندازی از آینده محتمل بزند (کورنیش، ۱۳۹۴: ۴۵-۷۴ و ۱۱۷-۱۳۳ Shermom, 2011: 52-62). موضوع این تحلیل می‌تواند یک گروه خاص، مانند زنان و جوانان، یک عرصه خاص حیات انسانی (علم و فناوری، اقتصاد، کار) محیط‌های جغرافیایی (کشورها، مناطق و جهان) باشد.

یکی از پژوهشگرانی که از الگوی تحلیل روند برای آینده‌پژوهی در سطوح مختلف استفاده کرده است، «جان نیزبیت»<sup>۲</sup> است. الگوی تحلیلی نیزبیت در آینده‌پژوهی متمرکز بر شناسایی «کلان‌روندها»<sup>۳</sup> است که در پیرامون ما در جریان هستند و آینده تحت تأثیر آن‌ها ساخته خواهد شد. این روندها الگوهای «دگرگونی و تحول بزرگ» یا «تغییرات بزرگ مقیاس در شرایط و الگوها» هستند که در محیط پیچیده و متنوع پیرامونی قابل‌شناسایی‌اند و نشان‌دهنده دگرگونی‌های کلان در جهتی خاص هستند:

*«روندهای کلان‌های جریان‌هایی نیستند که به سرعت بیانند و بروند. این دگرگونی‌های عظیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تکنولوژیکی به کندی شکل می‌گیرند و هنگامی که مستقر شدند، برای مدتی بین هفت تا ده سال یا بیشتر ما را تحت تأثیرات خود قرار خواهند داد» (نیزبیت و آبردین، ۱۳۷۶: ۱۱-۹).*

آن‌ها الگوهای دگرگونی هستند که با ویژگی‌هایی چون ساختاری بودن، پایداری و دوام زمانی، دامنه و گستره تأثیر بالا قابل‌شناسایی‌اند. منظور از ساختاری بودن آن است که روندهای کلان فراتر از رویدادهای پراکنده و جزئی، برآیند طیف وسیعی از رویدادها و اتفاقات پراکنده در جامعه هستند و در پس‌زمینه طیف وسیعی از پدیده‌ها قرار دارند. منظور از پایداری زمانی آن است که روندهای کلان، برخلاف اتفاقات زودگذر که ظهور و افول سریع دارند، مستمرند و برجستگی و تأثیرگذاری‌شان در زمان دوام دارد. منظور از «دامنه تأثیر» (به معنای تعداد افراد و گروه‌هایی که تحت تأثیر آن قرار

.....  
1 . Trend Analysis  
2 . John Naisbitt

می‌گیرند) و «گستره تأثیر» (تعداد موضوعات و حیطه‌هایی از جامعه که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند) است. کلان‌روندها دامنه تأثیر و گسترده تأثیر بالایی دارند.

نیزبت در چند کتاب خود به شناسایی این کلان‌روندها در مقیاس جهانی، منطقه‌ای و ملی پرداخته و کوشیده تا در پرتو این کلان‌روندها، آینده محتمل را در این سطوح شناسایی کند. نیزبت در کتاب «کلان‌روندها» (۱۹۸۲) ۱۰ کلان‌روند جهانی را شناسایی می‌کند که دنیای دهه ۹۰ در پرتو آنها ساخته شد. موفقیت آن کتاب او را بر آن داشت تا در کتاب بعدی خود «کلان‌روندهای ۲۰۰۰» (۱۳۷۸) ۱۰ کلان‌روند کلیدی دهه ۹۰ میلادی شناسایی کند که دنیای سال ۲۰۰۰ خواهند ساخت. اگر سطح تحلیل نیزبت در دو کتاب فوق، تحولات در مقیاس جهانی بود؛ در کتاب بعدی دیگر خود «کلان‌روندهای آسیا» (۱۳۸۵) توجه خود را بر سطح تحلیل منطقه‌ای متمرکز و کوشید تا ۸ کلان‌روندی که منجر به «معجزه اقتصادی آسیا» شده را توصیف کند. نهایتاً در «کلان‌روندهای چین» (۲۰۰۹) ۸ روند کلیدی شکل‌دهنده به جامعه جدید چین را شناسایی می‌کند. رویکرد کلیدی نیزبت در تمام این مطالعات، پیش‌بینی عالمانه آینده محتمل برحسب روندهای بنیادین جاری در وضعیت کنونی است. هوشمندی (آمیخته با خوش‌بینی) در شناسایی تحولات پیرامونی، جمع‌آوری حجم وسیع اطلاعات و سامان دادن و درک‌پذیرکردن آنها در قالب روندهای کلان و نهایتاً صحت بخش زیادی از پیش‌بینی‌های وی باعث شده تا کتاب‌های نیزبت و الگوی تحلیلی او مورد توجه زیادی قرار گیرند. ما در ادامه تلاش خواهیم کرد تا با استفاده از الگوی وی، به تحلیل کلان‌روندهای خاورمیانه بپردازیم.

### پ- روش تحقیق

روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها در مطالعات آینده‌پژوهی طیفی از غیر علمی‌ترین ابزارهای شناخت یعنی شهود فردی و گروهی تا علمی‌ترین روش‌ها مانند روش‌های آماری مبتنی بر ریاضیات پیشرفته را شامل می‌شود. برای شناسایی کلان‌روندهای مورد بحث در این مقاله، بعد از مطالعات اولیه، بر اساس شاخص‌های «پایداری و دوام زمانی»، «دامنه تأثیر» و «گستره تأثیر» بالا فهرستی با ۱۵ سرفصل تهیه شد. سپس در ۳ جلسه مداوم با حضور تعدادی از کارشناسان این ۱۵ کلان‌روند اولیه به بحث و بررسی گذاشته شد. بعد از برگزاری این جلسات تعدادی از عناوین حذف و اصلاح شدند و ۷ عنوان باقی ماند. نتایج نهایی تحقیقات و مستندسازی اطلاعات در دو جلسه سخنرانی برای کارشناسان ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفت. این روند منجر به ادغام برخی عناوین ذیل یک

عنوان کلی تر و سازمان‌دهی مقاله ذیل ۵ کلان‌روند گردید. اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی و مستندسازی کلان‌روندها از منابع و اسناد در دسترس گردآوری شده است.

## ت- کلان‌روندهای خاورمیانه کنونی

بر اساس روش تحقیقی که در بخش قبلی توضیح داده شد، ما ۵ کلان‌روند اصلی را شناسایی کرده‌ایم که به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را بر چشم‌انداز توسعه‌ای خاورمیانه در سال‌های آتی دارند:

۱. تشدید آشوب منطقه‌ای؛ ۲. بحران ساختار دولت-ملت و شکل‌گیری دولت‌های شکننده و شکست‌خورده؛ ۳. بحران‌های زیست‌محیطی تشدیدشونده؛ ۴. تحول در الگوی تولید و مصرف انرژی و افول موقعیت خاورمیانه در تأمین انرژی جهانی؛ ۵. خروج سرمایه‌های انسانی و مادی از منطقه و بحران انباشت. روندهای دیگری نیز در خاورمیانه در جریان‌اند که از اهمیت زیادی برخوردارند، مانند تحولات جمعیتی و مهاجرتی، تحولات ارزشی، تعمیق استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ادغام بیشتر در مناسبات جهانی؛ ولی از دیدگاه ما، در مقایسه با موارد ۵ گانه موردنظر، این موارد از اهمیت و تأثیر کمتری بر چشم‌انداز توسعه‌ای خاورمیانه برخوردار باشند.

### ۱- تشدید آشوب منطقه‌ای

توسعه پیش از هر چیزی نیازمند، ثبات است. تنها بر چنین زمینه‌ای است که امکان برنامه‌ریزی و تمرکز بر اهداف توسعه‌ای و اقدام برای تحقق آن‌ها ممکن می‌شود. این ضرورت در حالی است که دهه‌هاست منازعه، درگیری و تنش با نام خاورمیانه درهم‌تنیده است. در دهه ۹۰ میلادی، خاورمیانه علی‌رغم تمام درگیری‌های موجود ثبات نسبی را تجربه کرد و این تجربه تأثیری مشخص بر افزایش شانس توسعه در منطقه گذاشت. در چنین شرایطی خاورمیانه قدم به قرن بیست‌ویک گذاشت و امید می‌رفت که در سایه استقرار نظم منطقه‌ای پایدارتر، چشم‌اندازهای توسعه‌ای بهتری بتوان برای آن تصور کرد؛ اما این افق بعد از ۲۰۰۱ و تهاجم ایالات متحده به افغانستان و عراق دگرگون شد. خاورمیانه وارد دورانی از درگیری‌های و منازعات متنوع گردید که شدیدتر و خون‌بارتر و پرهزینه‌تر از همه دوران‌های پیشین بوده است. این شرایط آشوب‌زده محصول رفتار بازیگران درگیر غیردولتی هويت بنیاد، دولت‌های قدرتمند منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی است که اتفاقات را در مسیری سوق داده است که نتیجه آن تشدید تنش‌ها و شکل‌گیری محیطی آشوب‌زده است.

## ۱-۱- هویتی شدن منازعات و برآمدن نیروهای هویت بنیاد زیرملی و فراملی

خاورمیانه در طول تاریخ خود در سطوح خرد حول تعلقات قبایلی- قومی و در سطح کلان حول تعلقات امت محور سازمان یافته است. (لوئیس، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۲۷۳، Lewis, 1999: 3-7). از این رو ساختار دولت-ملت و احساس تعلق ملی، پدیده‌ای وارداتی به خاورمیانه بوده است که در مقابل هویت‌های و تعلقات پیشامدرن، شانس چندانی برای تحکیم نداشته است. از این رو هرگاه فرصت برای عرض اندام این تعلقات فراهم آمده است، نیروهای هویت بنیاد فراملی و فراملی قدرت‌نمایی کرده‌اند. چنین شرایطی در سال‌های گذشته فراهم شده است و خاورمیانه با وضعیت «هویتی شدن منازعات» روبه‌روست؛ وضعیتی که در آن گروه‌های مختلف شکل گرفته بر بستر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی (قبایل، قومیت‌ها و گروه‌های مذهبی)، دست به تولید و بازتولید درکی از هویت خویش‌تن می‌زنند که مبتنی بر نفی «دیگری»، مروج خشونت و نهایتاً بر ضد نظم مبتنی بر ساختار دولت-ملت است. (معلوف، ۱۳۸۹ و سن، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴)

پژوهش‌های متعدد بر افزایش نقش آفرینی بازیگران قبایلی در پاکستان، افغانستان، سوریه، یمن، لیبی، یمن و حتی مصر طی سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند (Otterman, 2003, Weir, 2014: 18-20). قومیت‌ها نیز بازیگران مهمی بوده‌اند که کردها نمونه شناخته شده آن‌ها می‌باشند (انتصار، ۱۳۹۰: ۱۵-۲۰: ۱۶۵-۲۲۷). بنیادگرایان دینی (به نحو مشخص جریان‌های سلفی) نیز بازیگران هویت بنیادی هستند که در سطح فراملی فعالیت می‌کنند و نظم سیاسی دولت بنیاد را به چالش می‌کشند. کاستلز بنیادگرایی دینی را اصلی‌ترین «هویت مقاومت» در خاورمیانه می‌داند (کاستلز، ج ۲: ۳۰-۳۷). این نیروها ستیزه‌های اجتماعی را از حالت سیاسی و متعارف و قابل کنترل خارج و خصلمتی حل ناپذیر و خشونت بار می‌دهند. نمود این موضوع را می‌توان گستردگی بهره‌برداری این نیروها از تروریسم به عنوان ابزاری برای تضعیف اقتدار دولت مشاهده کرد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۲-۳۰). کوردزمن در پژوهشی نشان داده است که خاورمیانه و شمال آفریقا با ۴۶۵۱۱ حمله تروریستی در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۶، رده اول را در میان مناطق جهان به خود اختصاص داده است. تعداد حملات تروریستی در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ در خاورمیانه ۲۷۵۸۰ مورد بوده است که ۳۹ درصد آمار جهانی را به خود اختصاص داده است (شاپوری، ۱۳۹۶: ۱۲۴-۱۲۶) علاوه بر هزینه‌های مستقیم ناشی از گسترش خشونت برای فرایند توسعه، نتیجه این روند تضعیف هرچه بیشتر ساختار دولت-ملت و غرق شدن تعداد زیادی کشورهای منطقه در وضعیت جنگ داخلی و «دولت



شکست خورده» است.

## ۱-۲- رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی

خاورمیانه در دوران پس از جنگ دوم جهانی شاهد رقابت همیشگی ترکیه، ایران، اسرائیل، مصر و عربستان سعودی به عنوان مدعیان هژمونی منطقه‌ای بوده است. در هر مقطع زمانی هریک از مدعیان به واسطه روند تحولات منطقه‌ای و همچنین برحسب قابلیت‌های خود برای بسیج منابع (اعم از نظامی، اقتصادی، ایدئولوژیکی، اجتماعی و نهایتاً پیوندهای بین‌المللی) موقعیت بهتری را نسبت به سایر رقبا پیدا کرده است. بعد از سال ۲۰۰۳ دوره جدیدی از منازعات منطقه‌ای آغاز شد. تهاجم ایالات متحده به عراق (و افغانستان) فضای مساعدی را برای «احیای شیعه» (Nasr, 2007: 23-29) ایجاد کرد که از سوی بلوک سنی منطقه به عنوان بسط قدرت ایران تعبیر شد. به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و مدعیات آن مبنی بر رهبری بلوک اخوانی در منطقه، نیز باعث تشدید رقابت‌ها شد. ترک‌ها با کنار گذاشتن «سیاست تنش صفر با همسایگان» (Murinson, 2006: 945-950)؛ کوشیدند تا با همراهی قطر، نفوذ خود را در فلسطین، سوریه، عراق، مصر، یمن، لیبی و تونس را گسترش دهند. تقویت موقعیت ایران (شیعیان) و ترکیه، با واکنش تند بلوک سنی عرب به رهبری عربستان و همراهی امارات روبرو شد به گونه‌ای که سعودی‌ها با کنار نهادن راهبرد سنتی خود؛ جهت‌گیری به شدت تهاجمی و خشونت باری اتخاذ کردند که به نحوی هدفمندی از ادبیاتی فرقه‌ای بهره می‌برد (Broning, 2008). جنگ در یمن، حمایت از سرکوب اخوان در مصر، دخالت در جنگ سوریه و لیبی، تحریک درگیری‌ها در عراق و لبنان و نهایتاً همراهی با سیاست‌های ضد ایرانی تنها نموده‌های آشکار این سیاست‌ها بوده است. گرچه اسرائیل به واسطه شرایط خاص خود هیچ‌گاه نمی‌تواند مدعی هژمونی منطقه‌ای باشد، کوشش اصلی آن رژیم، تشدید کشمکش میان دیگر بازیگران با هدف ایجاد نبردهای فرسایشی میان آن‌هاست.

مرشایم‌عنوان می‌کند که «استدلال من این است که نظام‌های چندقطبی، جنگ‌خیزتر (ستیزه‌خیزتر) از نظام‌های دوقطبی می‌باشند و نظام‌های چندقطبی که دربردارنده دول قدرتمند - هژمون‌های بالقوه - می‌باشند، خطرناک‌ترین نوع می‌باشند» (مرشایم، ۱۳۸۹: ۵). آنچه مرشایم در تحلیل وضعیت در روابط قدرت‌های بزرگ عنوان می‌کند، قابلیت تطبیق به شرایط کنونی خاورمیانه را دارد. در وضعیت کنونی بازیگران منطقه‌ای خود را درگیر در نبردی سرنوشت‌ساز بر سر تعریف نظم منطقه‌ای و تحقق

هژمونی می‌بیند، گرچه ممکن است ائتلاف‌هایی موقتی میان بازیگران شکل بگیرد؛ ولی تقریباً هیچ زمینه‌ای برای مصالحه‌های پایدار و شکل دادن به دستگاه‌های امنیت دسته‌جمعی وجود ندارد. در نبرد برای هژمونی، مناطق مختلف در خاورمیانه به محل درگیری طرفه‌ای درگیر بدل شده است، درگیری‌هایی که در اغلب آن‌ها نیروهای داخلی و خارجی، به نیابت و تحت حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌جنگند. موازنه مخرب برآمده از چنین وضعیتی، به جای آنکه زمینه مصالحه بر سر نظم باشد، وضعیتی فرسایشی را به درگیری‌های خاورمیانه داده که به واسطه درهم‌آمیختگی آن با مؤلفه‌های هویتی، خصولتی به شدت خشن، حل‌ناپذیر و حیثیتی یافته است. به همین دلیل زیگیونیو برژینسکی معتقد بود که شرایط خاورمیانه در سال‌های اخیر، در وضعیتی مشابه عصر جنگ‌های مذهبی (۱۶۱۸-۱۶۴۸ میلادی) در اروپای پیش از عصر وستفالیا به سر می‌برد (Rothkopf, 2014). در عصری که جهان در کوران تحولات تکنولوژیک و توسعه‌ای عظیمی قرار دارد؛ درگیری بازیگران عمده منطقه‌ای در شرایط موازنه قوا و نبود مسیری به سوی شکل دادن به مصالحه‌های نظم آفرین، عملاً در مسیر تخریب همه‌جانبه سرمایه‌های محدود منطقه‌ای و تخریب فرایند توسعه عمل می‌کند.

### ۱-۳ مداخله مخرب قدرت‌های فرامنطقه‌ای

همان‌طور که روبرسون می‌گوید «نفوذ و مداخلات خارجی ناشی از تأثیر نظام بین‌الملل همواره یکی از ویژگی‌های پایدار خاورمیانه بوده است» (روبرسون، ۱۳۹۰: ۱۱۴) در طول تاریخ معاصر، عملکرد قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه به جای تقویت زمینه‌های ثبات، همگرایی و سرمایه‌گذاری و توسعه، عامل افزایش پیچیدگی‌ها، بدل کردن منطقه به انبار باروت و در یک کلام دامن زدن به آشوب در یک منطقه آشوبناک بوده است. تأسیس اسرائیل و حمایت بی‌قیدوشرط ایالات متحده از این رژیم طی ۷ دهه گذشته، تجهیز و تقویت جریان‌های جهادی در جریان نبرد با اشغال افغانستان (کولی، ۱۳۸۷: ۸۹-۲۳۶)، تهییج و تجهیز صدام حسین برای حمله به ایران، جنگ دوم خلیج فارس، تحریم ۱۲ ساله و حمله به عراق و نهایتاً تلاش برای بسیج کشورهای عرب علیه ایران از نمونه‌های عمده این مداخله مخرب است. طرح‌های خاورمیانه‌ای آمریکا از مقطع پایان جنگ سرد به این سو به جای تثبیت اوضاع و کمک به شکل‌گیری یک فرایند صلح منطقه‌ای، بر پیچیدگی و عدم تعادل موجود در خاورمیانه افزوده است (Pressman, 2009: 149-179) گزارش تحقیقی سیمور هرش در سال ۲۰۰۷ افشا کرد که ایالات متحده برای تضعیف ایران و جریان شیعی در خاورمیانه، اقدام به

تقویت و تسلیح جریان‌های سلفی و جهادی در خاورمیانه کرده است (Hersh, 2007)، آخرین پرده این راهبرد مخرب در جریان انقلاب‌های عربی و حمایت یک‌سویه آمریکا از تغییر رژیم در سوریه و لیبی مشاهده کرد که منجر به شکل‌گیری دو مورد از خونین‌ترین جنگ‌های داخلی و تشدید نبردهای نیابتی در خاورمیانه شد (Hamid, 2015)

ناکامی الگوی مداخله‌گرایانه و همچنین هزینه‌های بالای صرف شده در خاورمیانه، زمینه را برای نوعی بازاندیشی پیرامون حضور منطقه‌ای آمریکا ایجاد کرده بود (Gerges, 2013: 299-323) اما دونالد ترامپ با فاصله‌گیری از حداقل‌های نگاه راهبردی، سیاست خارجی منطقه‌ای آمریکا را به ترکیبی از رویکرد کاسب‌کارانه در مواجهه با کشورهای ثروتمند عرب، ستیزه‌جویی هیستریک علیه ایران و نهایتاً جانبداری آشکار و بی‌قید و شرط از اسرائیل تنزل داده است که بقول استفان والت منجر به شکل‌گیری یک سیاست خارجی عمیقاً مبهم و ماهیتاً آشوب‌ساز در خاورمیانه شده است (Walt, 2017). استفان والت گرچه بارها بر عدم درک واقعیت‌های خاورمیانه از سوی ایالات متحده تأکید کرده است، در یادداشتی عنوان می‌کند که واشنگتن از تداوم بحران و تنش در خاورمیانه خصوصاً منازعه میان اعراب و ایران و ترکیه بهره می‌برد و تمایلی به پایان آن ندارد (Walt, 2018). گویی تداوم «وضعیت استثنایی» خاورمیانه به نفع آمریکاست.

## ۲- بحران ساختار دولت-ملت و شکل‌گیری دولت‌های شکننده و شکست‌خورده

ساختار دولت-ملت در خاورمیانه مقوله‌ای وارداتی و از همین رو مستعد شکنندگی بسیار است. کوشش‌های صورت‌گرفته در یک‌صد سال برای دولت‌سازی (به معنای تقویت قدرت و قابلیت ساختار دولتی بر اعمال حاکمیت مؤثر) و ملت‌سازی (شکل‌دادن به تعلق ملی مبتنی بر شهروندی) در بخش عمده منطقه به شکست انجامیده است و جز در چند کشور (ترکیه، ایران و مصر) این چارچوب مشروعیت‌چندانی ندارد (کامروا، ۱۳۸۸: ۵۵-۷۳). از همین روست که می‌توان گفت خاورمیانه با وضعیتی روبه‌روست که به تأسی از جوئل میگدال می‌توان آن را «دولت ضعیف» و شکننده از یک‌سو و «جامعه قوی» غیرمدنی از سوی دیگر خواند (کاظمی، ۱۳۹۵: ۷۱۳-۷۱۶). ویژگی این دولت‌ها، ضعف شدید آن‌ها مقابل گروه‌های تشکیل‌دهنده جامعه تحت حاکمیت (اعم از گروه‌ها و شبکه‌های قبایلی، قومی و مذهبی) و نفوذپذیری شدید در مقابل قدرت‌های بیرونی است. نکته کلیدی اینجاست که اگر شرایطی فراهم شود که شبکه‌های قبایلی و قومی و مذهبی این جوامع فعال

شوند، شکنندگی و آسیب‌پذیری آن‌ها به شدت افزایش می‌یابد. اوضاع زمانی بدتر می‌شود که دولت‌های قدرتمند بیرونی به دلایلی تمایل به اعمال نفوذ بر این کشورها را داشته باشند.

همان‌طور که گفته شد، تهاجم آمریکا به عراق و افغانستان و تجربه انقلاب‌های عربی زمینه‌های جدیدی را برای فعال شدن دوباره نیروهای فروملی (قبایل و قومیت‌ها) و فراملی (نیروهای مذهبی سلفی) هویت بنیاد در سرتاسر خاورمیانه فراهم کرد. به این موضوع باید افزود که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در نبرد برای هژمونی و پیشبرد اهداف خود، برای پرهیز از جنگ مستقیم، به جنگ‌های نیابتی روی آورده‌اند. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرایندهای مختلفی چون برآمدن نیروهای هویت بنیاد، جدال‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و مداخله مخرب غرب در خاورمیانه بستری برای تضعیف شدید ساخت دولت-ملت و تبدیل تعداد زیادی از دولت‌های منطقه از دولت‌های شکننده به دولت‌های شکست خورده بوده است. در رده‌بندی سالیانه بنیاد صلح از دولت‌های شکننده و شکست خورده در سال ۲۰۱۷، در میان ۱۷۶ کشور بررسی شده، یمن رتبه ۴، سوریه رتبه ۶، افغانستان رتبه ۹، عراق رتبه ۱۱ و پاکستان رتبه ۱۳ را به خود اختصاص داده است (The Fund for Peace, 2017).

اوضاع زمانی بدتر می‌شود که به الگوی ایجاد نظم سیاسی در دو مقطع بعد از تهاجم ایالات متحده به عراق و افغانستان و بعد از انقلاب‌های عربی در یمن، لیبی و... توجه شود. در شرایطی که احیا و تقویت نظم دولت-ملت بر طبق اسلوب‌های اقتدارگرایانه کلاسیک در خاورمیانه ناممکن به نظر می‌رسد، در بسیاری موارد نوعی راهبرد دموکراسی انجمنی به‌عنوان مبنای نظم آفرینی در دستور کار قرار گرفته است که اغلب مبتنی بر تجربه صلح‌سازی از رهگذر شکل دادن به حکومتی مبتنی بر الگوی سهم‌بری به گروه‌های قبایلی، قومی و مذهبی است (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۷۳). شواهد در افغانستان، عراق و یمن و لبنان به‌خوبی نشان‌دهنده این حقیقت است که دموکراسی‌های انجمنی و شبه انجمنی به‌جای آنکه قادر به حل مشکل جوامع و دولت‌های فروپاشیده باشند، خود به مشکلی جدی در راه تقویت قدرت دولتی و زمینه‌ای بر واگرایی هویتی بدل شده است. دلیلی وجود ندارد که مؤلفه‌های مؤثر بر بحران دولت-ملت در خاورمیانه طی سال‌های آتی تغییر کند. حتی محتمل است به‌واسطه عواملی چون بسط فضای دیجیتال و تأثیر آن بر بحران دولت‌های اقتدارگرا و فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی، بحران دولت-ملت تشدید شود. (کاظمی، ۱۳۹۵: ۷۲۳-۷۲۴) توسعه در شرایط فروپاشی دولت-ملت یا حتی شکنندگی آن موضوعی غیرممکن است.

### ۳- بحران زیست‌محیطی و آینده خاورمیانه

خاورمیانه همواره به‌عنوان اقلیمی بسیار شکننده توصیف شده است؛ اقلیمی عمدتاً خشک با میانگین بارشی که یک‌سوم میانگین جهانی است. شواهد نشان می‌دهد منطقه در دهه‌های اخیر با تشدید بحران‌های زیست‌محیطی روبه‌رو بوده است. مطالعه‌ای روی روندهای تغییرات زیست‌محیطی در خاورمیانه در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۳، از روند افزایش دما و کاهش میزان بارش به‌عنوان دو روند کلی در این سال‌ها سخن می‌گوید (Zhang and et al, 2005: 1-12). مطابق پیش‌بینی مؤسسه پرایس واترهاوسکوپرز (PwC) تغییرات آب‌وهوایی و بحران‌های زیست‌محیطی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود (PwC, 2016: 13). گزارش سال ۲۰۰۹ «فروروم عرب برای محیط و توسعه» عنوان می‌کند که «ما به‌طور قاطعانه می‌توانیم اعلام کنیم که کشورهای عرب به شیوه‌های مختلفی در مقابل تأثیرات حاصل از تغییرات و آب‌وهوایی بسیار آسیب‌پذیر هستند» این گزارش دلایل این آسیب‌پذیری بالا را افزایش دمای میانگین، کاهش میزان بارندگی عنوان می‌کند که باعث خشک‌سالی مداوم و پایدار در منطقه شده است (Tolba and Saab, 2009). اگر بخواهیم مؤلفه‌های مؤثر بر این بحران تشدید یابنده زیست‌محیطی در چند محور قابل دسته‌بندی کنیم می‌توانیم از سه روند مخرب کنونی در کشورهای منطقه سخن گفت: افزایش مصرف، کاهش بارش، افزایش تبخیر در اثر گرمایش منطقه.

خاورمیانه طی دهه‌های گذشته با افزایش جمعیت روبرو بوده است و در نتیجه بهره‌برداری از منابع در دسترس افزایش یافته است. در منطقه‌ای با ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت که طبق گزارش سازمان ملل تنها به ۱.۵ درصد آب تجدید پذیر و سالم موجود در جهان دسترسی دارد، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت دو برابر شود که معنای آن فشار بیشتر به منابع آب خواهد بود. این در حالی است که وضعیت بهره‌برداری از منابع آبی در عمده کشورهای خاورمیانه، حالتی بحرانی دارد. به عنوان مثال افزایش مصرف باعث خشک شدن بیشتر دریاچه‌های ایران، مصرف بیش از ۷۰ درصد منابع زیرزمینی و قرار گرفتن بیش از ۳۰۰ دشت ایران در معرض بحران‌های شدید آبی شده است. پیش‌بینی می‌شود که در طی ۵۰ سال آینده، حدود ۱۲ استان از ۳۱ استان ایران سفره‌های آب زیرزمینی بدون آب خواهند بود (Sengupta, 2018).

اما سوبه دیگر ماجرا وجود شواهدی جدی مبتنی بر وقوع یک تغییر اقلیم بازگشت‌ناپذیر است که نتیجه آن اولاً کاهش بارش‌ها و از سوی دیگر افزایش گرمای منطقه و نتایج حاصل از آن است.

داده‌های آماری می‌گوید که خاورمیانه طی چهل سال گذشته با روند افزایشی خشک‌سالی روبه‌رو بوده است. به عنوان مثال در نوار ساحلی شمال آفریقا تعداد روزهای خشک‌سال به ۳۳۰ روز در سال رسیده است. مکمل این فرایند افزایش دمای هواست. در کویت از سال ۱۹۵۷ تاکنون دمای هوا بین یک‌ونیم تا دو درجه گرم‌تر شده است که بالاتر از میانگین جهانی است (کرمی، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۷). طبق محاسبات محققان انستیتو ماکس پلانک تا اواسط قرن بیست‌ویک، میانگین دمای خاورمیانه و شمال آفریقا در زمستان‌ها حدود ۲.۵ درجه افزایش خواهد یافت که نتیجه آن افزایش تبخیر و افزایش روزهای خشک‌سال خواهد بود (Max Planck Institute, 2016)؛ بانک جهانی در گزارشی عنوان کرده است که با روند کنونی تغییرات اقلیمی، خاورمیانه تا پایان قرن حاضر با کاهش ۲۰ درصدی بارش‌ها و افزایش دمایی مابین ۳ تا ۵ درجه روبه‌رو خواهد بود. نتایج پژوهش مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (MIT) نشان می‌دهد که با روند کنونی گرمایش تا سال ۲۰۷۰ میزان گرمای منطقه حاشیه خلیج فارس فراتر از توان بدن انسان خواهد رفت که به معنای غیرقابل سکونت شدن کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد بود. آن‌ها عنوان می‌کنند که این شرایط تاکنون در هیچ منطقه دیگری در زمین گزارش نشده است (Pal and Eltahir, 2016: 197-200)؛ همان‌طور که باری بوزان عنوان می‌کند بحران‌های زیست‌محیطی به‌واسطه تشدید فقر و نابرابری و احساس تبعیض، بیکاری، مهاجرت و تغییر الگوهای سکونت سرزمینی، شکل‌گیری حاشیه‌نشین‌های فقیر، افزایش نارضایتی و افول مشروعیت سیستم سیاسی، تهدید امنیت غذایی، افزایش جدال برای بهره‌برداری از منابع مورد تهدید و کمیاب به نحو مشخص تعاملات اجتماعی در سطوح زیرملی و فراملی را در مسیر ستیزه و تنش سوق می‌دهد (بوزان، ۱۳۸۶: ۶۷-۷۱، Barnett and Adger, 2007: 639-655, Parenti, 2012: 4-12). گزارش سازمان ملل ریشه‌های خشونت و ناآرامی در دارفور سودان را نتیجه تغییرات اقلیمی می‌داند (Borger, 2007). در سوریه خشک‌سالی ناشی از تغییر اقلیم در فاصله ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ منجر به انحطاط کشاورزی و بحران مهاجرت ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار خانواده از مناطق شرقی (حدود یک ۱/۲ تا ۱/۵ میلیون نفر) به شهرها مهاجرت کردند. تحقیقات از همپوشانی بحران‌های زیست‌محیطی با بحران‌های سیاسی در یمن، مصر و لیبی سخن می‌گویند (Holthaus, 2015).

ارزیابی «گروه بین دولتی برای تغییرات اقلیمی» (IPCC) عنوان می‌کند که خاورمیانه طی سال‌های آینده، با نرخ بالایی از متوسط جهانی، گرم‌تر و خشک‌تر خواهد شد. گزارش بر تبعات و پیامدهای شدید این فرایند بر وضع کشاورزی، زیست‌پذیری مناطق و نیز تأثیر آن بر مهاجرت‌های انسانی از

مناطق مختلف تأکید می‌کند (Evans, 2009: 417-429). بحث پیرامون پیامدهای توسعه‌ای تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر گسترش زیادی یافته است. نتایج تحقیقات بر تأثیر مخرب تغییرات اقلیمی برای توسعه جهانی تأکید می‌کند (Verner and Biroscak, 2010: 5). اهمیت این بحث در مطالعات رشد به حدی است که نوبل اقتصاد ۲۰۱۸ به ویلیام نوردهاس تعلق گرفت که نقشی پیشرو در این بحث داشته است. در مطالعات صورت گرفته عموماً تأکید می‌شود که کشورهای مستقر در مناطق گرمسیری از تغییرات اقلیمی بیشترین آسیب را در تمام حوزه‌ها از جمله در حوزه توسعه خواهند خورد.

#### ۴- تحول در الگوهای تولید و مصرف انرژی و تضعیف موقعیت خاورمیانه در تأمین

##### انرژی جهانی

نفت و گاز عناصری هستند که خاورمیانه با آن‌ها شناخته می‌شود و فقر و رفاه و مهم‌تر از همه چشم‌انداز توسعه‌ای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه، در سال‌های آینده، به نحو مشخصی تحت تأثیر وضعیت بازار جهانی انرژی خواهد بود. پیش‌بینی‌های جهانی می‌گویند که حداقل تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای نفت روبه افزایش خواهد بود و سهم اوپک در تأمین نفت و گاز جهانی در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت (Roland Berger Strategy Consultant, 2012)؛ ولی تحولاتی بزرگ در بازار انرژی جهانی روی داده که مسیر تحولات را به سوی افول نقش خاورمیانه سوق می‌دهد. این تحولات را در چند محور کلی می‌توان دسته‌بندی کرد: ۱- افزایش قابل توجه استخراج از منابع نفت نامتعارف در یک دهه گذشته ۲- افزایش جهشی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش تولید در این بخش ۳- تغییر الگوی مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری در مصرف انرژی‌های دارای منشأ فسیلی. نتیجه تلاقی روند افزایش تقاضا با روندهای سه‌گانه فوق‌الذکر، به احتمال زیاد کاهش اهمیت راهبردی خاورمیانه در تأمین انرژی جهانی و نیز کاهش منابع مالی قابل حصول از این بخش برای کشورهای خاورمیانه خواهد بود.

تا یک دهه قبل استحصال از بخش عمده منابع نفت و گاز غیرمتعارف جهان شامل نفت و گاز شیل<sup>۱</sup> به واسطه هزینه‌های بالای استخراج محدود بود. افزایش شدید قیمت نفت در دهه اول قرن ۲۱؛ باعث سرمایه‌گذاری سنگینی در تکنولوژی‌های استخراج و کاهش هزینه استخراج از منابع نفت شیل

1 . Shale Oil/Gas

بود. در اثر استخراج نفت شیل و رشد تولید نفت آمریکا، کنگره در سال ۲۰۱۵، برای نخستین بار بعد از ۴۰ سال، مجوز صادرات نفت آمریکا به خارج را صادر کرد. دو سال بعد از لغو ممنوعیت صادرات بلومبرگ گزارش داد که در اثر استخراج نفت شیل، آمریکا در سال ۲۰۱۷ حدود ۳۷ درصد نفت خود را به خارج، از جمله به مقصد مشتریان آسیایی خصوصاً چین صادر کرده است (Tobben, 2018). تولید نفت آمریکا در سال ۲۰۱۸ به بالاترین رقم خود در تاریخ یعنی بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز رسید (DiChristopher, 2018). پیش‌بینی‌ها می‌گویند که در سال ۲۰۲۰ تولید نفت شیل به حدود ۹ میلیون بشکه خواهد رسید. روسیه و چین سرمایه‌گذاری سنگینی در این حوزه کرده‌اند و به تولیدی در حدود ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت از این منابع دست خواهند یافت (نادعلی و نصیری، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۳۸). بر اساس پیش‌بینی صورت گرفته به‌رغم هزینه‌های بالا و پیامدهای زیست‌محیطی، سهم نفت‌های نامتعارف از کل تولید جهانی از ۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸ درصد در سال ۲۰۲۰ و ۱۲ درصد در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید (قاسمیان و شاهین، ۱۳۹۲: ۱۸).

چالش بزرگ‌تر اما تأثیر نفت شیل بر روی قیمت نفت است. در اثر پیشرفت تکنولوژیک، هزینه‌های استخراج به‌عنوان کلیدی‌ترین چالش پیش روی این صنعت به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و امروزه، با رقم‌هایی مابین ۶۰ تا ۷۰ دلار و صنعت نفت شیل سودآور می‌شود. اهمیت این عدد از آن جهت است که در صورت رسیدن قیمت جهانی نفت به این عدد، بازار جهانی به‌واسطه ورود نفت شیل، با افزایش عرضه روبه‌رو خواهد شد، ضمن آنکه افزایش قیمت باعث سوق یافتن سرمایه‌های جدیدی به این صنعت خواهد شد. اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که قیمت جهانی نفت در شرایط کنونی و آینده بر حسب عددی تعیین خواهد شد که تولید نفت شیل در آن سطح سودآور می‌شود. نتیجه آنکه به‌احتمال زیاد کشورهای خاورمیانه برای همیشه باید از نرخ‌های نفتی بالا خداحافظی کنند. طبعاً این رقم طی سال‌های آینده بر حسب ارتقای تکنولوژی‌های استخراج و کاهش هزینه استخراج از منابع نامتعارف به نفع دارندگان نفت شیل و زیان دارندگان منابع نفت متعارف تغییر خواهد کرد. فاینشال تایمز عنوان می‌کند که قیمت نفت در طی سال‌های آینده در رقمی حدود ۶۰ دلار تثبیت خواهد شد (McNally, 2018). علاوه بر کاهش توان اوپک برای مدیریت بازار، تأثیر بزرگ این تحول کاهش درآمدهای نفتی اعضا خواهد بود.

عنصر دیگر دگرگون‌کننده بازار انرژی، افزایش جهشی تولید در حوزه انرژی‌های تجدید پذیر، تغییر الگوی مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری در مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری‌های وسیع در حوزه



بازیافت پلاستیک است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۶ سرمایه‌گذاری در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از ۲۹۷ میلیارد دلار بوده است. (IEA, 2017) تولید برق از انرژی خورشیدی در کمتر از ۷ سال، با کاهش ۷۰ درصدی هزینه روبرو شده و در نتیجه میزان تولید ۶ برابر شده است (Sputniknews.2017). در حوزه مصرف نیز، بخش خودروهای هیبریدی دگرگونی بزرگی را از سر گذرانده است. با پیشتازی تسلا، هزینه هر کیلووات ساعت توان موتورهای برقی، به یک‌پنجم سال ۲۰۱۰ رسیده و هم‌چنین توان باتری‌ها برای حرکت در فاصله دو شارژ، به نحو فوق‌العاده افزایش یافته است. تویوتا اعلام کرده است که تا سال ۲۰۴۰ با موتورهای درون‌سوز خداحافظی خواهد کرد. اکونومیست عکس روی جلد یکی از شماره‌های خود در سال ۲۰۱۷ را به پیش‌بینی پایان موتورهای احتراقی بنزینی اختصاص داد و آن را خبری بد برای خاورمیانه و اقتصادهای نفتی دانست (Economist, 2017). بر اساس مجموعه روندهای فوق، مؤسسه مک‌کنزی در پایان سال ۲۰۱۸ در تحلیل خود از آینده بازار انرژی پیش‌بینی کرد که تا ۲۰۵۰ انرژی‌های فسیلی نیمی از سهم کنونی خود را بازار را به انرژی‌های تجدیدپذیر واگذار خواهند کرد. مطابق این تحلیل بعد از سال ۲۰۳۰ (بعد از اوج‌گیری تقاضای جهانی برای نفت) دیگر تقاضای جهانی انرژی‌های فسیلی همپای رشد اقتصاد جهانی رشد نخواهد کرد و روندی نزولی خواهد گرفت (Eddy and et al, 2018).

اثر این روندها کاهش درآمدهای نفتی کشورهای خاورمیانه خواهد بود، کشورهایی که موفقیتی در تنوع‌بخشی به منابع مالی خود نداشته‌اند. چنین روندی طبعاً اثرات قابل‌ملاحظه‌ای بر کاهش توان این کشورها برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های توسعه‌ای و نیز ایجاد رفاه برای اتباع خود خواهد داشت.

## ۵- خروج سرمایه مادی و انسانی کشورهای منطقه و بحران انباشت

پژوهش‌های نظری و تجربه‌های عملی بر نقش کلیدی انباشت سرمایه مادی و سرمایه انسانی (نیروی کار ماهر و آموزش‌دیده) در شکل دادن به فرایند توسعه در یک کشور تأکید کرده‌اند (عجم اوغلو، ۱۳۹۴: ۱۵۸). کمتر از یک دهه قبل پژوهشگران چندی از چشم‌اندازی مثبت به تحولات خاورمیانه می‌نگریستند چراکه علاوه بر رشد سهم طبقه متوسط در کل جمعیت، جذب سرمایه خارجی روبه افزایش بود. ولی نصر (۲۰۱۰) از شکل‌گیری طبقه متوسط نوظهوری در خاورمیانه

سخن گفت. شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل نیز نشان‌دهنده روندی از تقویت شاخص‌های درآمد، بهداشت و آموزش در خاورمیانه در طی دو دهه ۹۰ و دهه اول قرن بیست و یک، افزایش سهم و حجم گروه‌های حرفه‌ای از کل جمعیت داشت (فوکویاما، ۱۳۹۶: ۶۰ و ESCWA: 2014: 42). در گزارشی منتشرشده از سوی بروکینگز نتیجه‌گیری شده بود که سهم طبقه متوسط از کل جمعیت سوریه در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ به نحو قابل‌ملاحظه‌ای روبه رشد گذاشته و از ۵ درصد کل جمعیت به حدود ۴۰ درصد جمعیت رسیده است (Dang and Ianchovichina, 2016).

این روند مثبت از سال ۲۰۱۰ به این سو به دلیل مجموعه‌ای تحولات همچون بی‌ثباتی، ناامنی، جنگ‌های داخلی و تیره شدن چشم‌انداز زندگی در خاورمیانه معکوس و خاورمیانه با تخریب زیرساخت‌ها، تخلیه سرمایه‌های انسانی (در قالب مهاجرت) و نهایتاً خروج سرمایه‌های مادی روبه‌رو شد. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ در گزارشی عنوان کرد که نتایج حاصل از بهار عربی زیانی در حدود ۶۱۴ میلیارد دلاری برای کشورهای درگیر در آن در پی داشته است. از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۶ حملات تروریستی در سطح جهان در مجموع ۳۹۶ میلیارد دلار هزینه اقتصادی وارد آورده است که در این میان هزینه تروریسم بر اقتصاد کشورهای سوریه، عراق، یمن و لیبی در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۱۷/۳، ۸/۳، ۷/۳ و ۵/۷ تولید ناخالص داخلی آن‌ها بوده است. بر اساس برآورد بانک جهانی در فاصله سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ تولید ناخالص داخلی سوریه ۶۳ درصد کوچک‌تر شده است. بر مبنای یک برآورد احیای زیرساخت‌های لیبی نیز طی ده سال آینده به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز است (شاپوری، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۳۰). مطابق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۴، کشمکش‌های نظامی و درگیری‌های داخلی در سوریه جمعیت فقیر را از ۱۲/۳ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۱۳ و در یمن از ۳۴/۸ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۵۴/۴ درصد افزایش داده است. (ESCWA, 2014: 34-35) رئیس صندوق بین‌المللی پول نیز به استناد گزارش‌های این نهاد (Rother and et al, 2016). اعلام کرد که جنگ در کشورهایی مانند عراق، سوریه، لیبی و یمن «پیشرفت و توسعه یک نسل را نابود کرد».

اثر دیگر این تحولات، افزایش مهاجرت و میل به مهاجرت بوده است. به دلیل نابسامانی همیشگی، خاورمیانه همواره با مهاجرت نخبگان روبه‌رو بوده است. مطابق یک پیمایش در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۶ درصد از افراد تحصیل‌کرده در کشورهای عرب تمایل به ترک کشور داشته‌اند (Silatech and Gallup, 2010). این روند با وقایع بعد انقلاب‌های عربی رشد قابل‌ملاحظه‌ای یافت. دعاحسین در

گزارشی در سال ۲۰۱۶ عنوان می‌کند که ۸۰ درصد جوانان دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد عرب تمایل دارند تا تحصیلات خود را در خارج دنبال کنند. حال آنکه ۵۴ درصد آن‌ها دیگر به کشورهایشان بازمی‌گردند. ۷۰ درصد از دانشجویان فارغ‌التحصیل نیز به دنبال شغل یافتن در آن‌سوی مرزها هستند (Hussein, 2016). نتایج یک تحقیق گروهی عنوان می‌کند که گستره موج مهاجرت افراد تحصیل کرده و صاحب مهارت خاورمیانه نمونه‌ای بی‌سابقه در تاریخ است که در نتیجه آن کشورهای این منطقه از نیروهای انسانی زبده خود محروم شده‌اند (Fargues and Venturini, 2015:1-8).

در حوزه سرمایه‌های مالی، در حالی که تا قبل از سال ۲۰۱۰، کشورهایی چون مصر، سوریه و لیبی به واسطه اصلاحات اقتصادی با رشد سرمایه‌گذاری خارجی روبرو بودند، بعد از آن روندها معکوس شد. به عنوان مثال رقم سرمایه‌گذاری خارجی در سوریه از ۱۱۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به رقمی بیش از ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسید. این روند با بحران‌های بعد از سال ۲۰۱۰ متوقف شد. مطابق آمار آنکتاد، یمن، لیبی، سوریه و عراق به‌عنوان کشورهای جنگ‌زده منطقه طی سال‌های بعد از ۲۰۱۰ با منفی شدن جذب سرمایه‌گذاری خارجی روبه‌رو بوده‌اند (UNCTAD, 2017). در اثر بحران‌های مختلف و ناامنی‌ها و تروریسم خاورمیانه پایین‌ترین سهم از جذب سرمایه جهانی را در میان مناطق به خود اختصاص داده است.

## د- چشم‌انداز آتی توسعه در خاورمیانه

در تحلیل متغیرهای مؤثر بر توسعه می‌توان بر نقش عوامل متعددی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرد. توسعه در هر محیطی (ملی یا منطقه‌ای و جهانی) نیازمند ثبات و آرامش، حکمرانی کارآمد، محیط کسب‌وکار مناسب و هزینه مبادلاتی پایین، انباشت سرمایه مادی و انسانی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بسیج منابع در راستای اهداف توسعه‌ای و تعامل اثربخش با محیط جهانی است. گرچه انتظار برای شکل‌گیری همه این پیش‌شرط‌ها نامعقول است ولی معدل کلی وضعیت باید فراهم‌آورنده شرایط مساعد برای آغاز و تداوم حرکت توسعه‌ای باشد. سؤال کلیدی این است که کلان‌روندهای جاری در منطقه خاورمیانه آیا تأمین‌کننده چنین بسترها و پیش‌شرط‌هایی برای توسعه هستند یا آن را تخریب می‌کنند؟ آنچه وضعیت کنونی و آینده کلیت منطقه را می‌سازد، تلاقی درهم‌تنیده کلان‌روندهایی به‌غایت مخرب است که محیطی بسیار نامساعد

برای توسعه ایجاد کرده‌اند. با مطالعه روندهای فوق و خصلت عمیقاً درهم‌تنیده این کلان‌روندهای بحرانی می‌توان به این نتیجه‌گیری ساده، اما بسیار مهم، دست یافت: خاورمیانه همیشه بحرانی، در یکی از بحرانی‌ترین دوران‌های تاریخی خود قرار گرفته است که به‌جای تمهید شرایط حداقلی لازم برای حرکت در مسیر توسعه، در راستای تخریب و فرسایش و واگشت توسعه‌ای قرار گرفته است. در جریان سال‌های پایانی دهه اول قرن جدید و در جریان انقلاب‌های عربی، امیدها به آینده خاورمیانه بیشتر شد؛ ولی طی چند سال گذشته گمانه‌زنی‌های بدبینانه بر فضا مسلط شده است. البته در این نکته نباید تردید داشت که در منطقه وسیعی چون خاورمیانه و شمال آفریقا همه جوامع در مسیری مشابه حرکت نمی‌کنند. برخی جوامع، مانند تونس و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس، حرکت‌های روبه‌جلویی در سال‌های اخیر داشته‌اند؛ حال آنکه برخی دیگر مانند عراق، سوریه، یمن و لیبی آسیب‌های بعضاً جبران‌ناپذیری متحمل شده‌اند و افق تاریک‌تری پیش رو دارند؛ اما اگر بخواهیم برای کلیت منطقه چشم‌اندازی کلی ترسیم کنیم، از مشاهده و تحلیل آنچه در خاورمیانه می‌گذرد و تلاقی درهم‌تنیده آن‌ها، می‌توان این‌گونه حدس زد که منطقه ما در سال‌های آینده به‌سوی آشوب و تنش بیشتر، فرسایش و زوال نهادی، شدت‌یابی بحران‌های زیست‌محیطی، تشدید فرایند خروج و تخریب سرمایه‌های انسانی و مادی، تشدید فضای عدم اطمینان، ریسک و پیش‌بینی‌ناپذیر حرکت خواهد کرد که برآیند آن‌ها وضع نامساعد برای توسعه خواهد بود. پیش‌بینی‌های چون صندوق بین‌المللی پول نیز بر همین نتیجه تأکید دارند.

## نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر بر اساس الگوی آینده‌پژوهی مبتنی بر شناسایی «کلان‌روندها» که جان‌نزیبیت ارائه کرده است، کوشیدیم قالبی برای فهم و درک آینده احتمالی توسعه در خاورمیانه تصویر کنیم. در این مسیر، پنج کلان‌روند اصلی مؤثر بر روندهای کنونی و آتی توسعه در خاورمیانه را شناسایی کرده و ابعاد آن را مستند و تشریح کردیم. طبیعی است که به‌واسطه سایه سنگین احتمال و حضور قضاوت شخصی، انتخاب این روندها می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد؛ اما چنین وضعیتی در مطالعات آینده‌پژوهی تا حدود زیادی گریزناپذیر است.

گفته می‌شود آینده‌پژوهان به دو دسته خوش‌بین‌ها و بدبین‌ها تقسیم می‌شوند. این مقاله گرچه از بصیرت‌های پژوهشگری استفاده کرده است که به خوش‌بینی شهرت دارد، ولی دربردارنده

پیش‌بینی‌های بدبینانه است. نتیجه‌گیری ما در این مقاله آن است که کلان‌روندهای جاری در منطقه و منطق هم‌جوشی آن‌ها محیط بسیار نامساعدی برای توسعه منطقه و کشورهای آن ایجاد کرده است. بر این اساس می‌توان حدس زد که خاورمیانه در سال‌های آینده، احتمالاً با تخریب هرچه بیشتر پیش‌شرط‌های توسعه‌ای روبه‌رو خواهد بود؛ اما این روندی قطعی و محتوم نیست. چه‌بسا روندهایی در منطقه در جریان باشد که خارج از افق تحلیلی ما باقی مانده‌اند و در آینده مسیر کنونی را تغییر دهند. علی‌رغم وجود روندهای کنونی، آینده همواره آستان تحولات نو و مستعد خلق فرصت‌هایی است که بذریه‌های آن در واقعیت امروز ما حضور دارند و اکنون به آن‌ها کمتر از ارزش واقعی‌شان توجه داریم. به عنوان مثال وجود گرایش (هرچند ناپایدار) در نسل جوان منطقه برای عبور از مناسبات برجای مانده از نسل قدیم، برخی تحولات ارزشی و نیز گرایش به تکنولوژی‌های دیجیتال مایه‌هایی از امیدواری را ایجاد می‌کند. هم‌چنین برخی گزارش‌ها از توان بالقوه کشورهای ایران، عربستان، ترکیه و مصر برای و جهش و ایفای نقش «تغییردهنده بازی»<sup>۱</sup> سخن می‌گویند؛ اما دیدگاه ما این است که این روندها هنوز عواملی آن‌چنان قدرتمند نیستند که افق تحولات خاورمیانه را تغییر دهند. باید امیدوار باشیم که تحولات پیش‌بینی نشده، ما را شگفت‌زده نکند.

## منابع

### الف- منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۸۵)، *دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- انتصار، نادر (۱۳۹۰)، *سیاست کردها در خاورمیانه*. ترجمه عرفان قانعی قره، تهران: انتشارات علم.
- بوزان، باری، ویور، الی، دو ویلد، پاپ، (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- روبروسون، بی‌ای (۱۳۹۰)، *تأثیر نظام بین‌الملل بر خاورمیانه*، در: ریموند هینبوش و انوشیروان احتشامی. *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*. ترجمه رحمن قهرمانپور و مرتضی مساح. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

- سن، آمارتیا (۱۳۸۸)، *هویت و خشونت*. ترجمه فریدون مجلسی، تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال بیستم، شماره سوم، صص ۱۱۱-۱۴۲.
- عجم اوغلو، دارون (۱۳۹۴)، *مقدمه‌ای بر رشد اقتصادی مدرن*، ترجمه عبدالحمید جلالی اسفندآبادی و ملیحه واعظی‌زاده، تهران: نور علم.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۶)، *نظم و زوال سیاسی*. ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: روزنه.
- قاسمیان، سلیمان و ایرج شاهین (۱۳۹۲) *انقلاب منابع نفتی نامتعارف و تغییر الگوی ژئوپلیتیک نفت. ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز*. شماره ۱۰۳ مرداد. صص ۱۵-۲۱
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، *عصر اطلاعات (قدرت هویت)*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.
- کاظمی، حجت (۱۳۹۵)، *سیاست دیجیتال و تباهی سیاسی در دولت‌های ضعیف: تجربه انقلاب‌های عربی. فصلنامه سیاست*. دوره ۴۶، شماره ۳، پاییز. صص ۷۰۹-۷۲۶
- کامروا، مهران (۱۳۸۸)، *خاورمیانه معاصر*. ترجمه محمدباقر قالیباف و سید موسی پور موسوی. تهران: قومس.
- کرمی، ناصر (۱۳۹۵)، «سرشت ناگزیر: ریشه‌های اقلیمی صلح‌گریزی در خاورمیانه». *مجله اینترنتی قلمرو*. اسفند. صص ۶۰-۷۰
- کورنیش، ادوارد (۱۳۹۴)، *آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف‌تر به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی*، ترجمه سیاوش ملکی‌فر، نشر آینده‌پژوه.
- کولی، جان (۱۳۸۷)، *سیا و جهاد: جنگ‌های نامقدس*، ترجمه مجتبی نجفی و مهرگان نظامی‌زاده. تهران: انتشارات صمدیه.
- لوئیس، برنارد (۱۳۹۱)، *خاورمیانه دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز*. ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی.
- معلوف، امین (۱۳۸۹)، *هویت‌های مرگبار*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.

- مرشایمر، جان (۱۳۹۵)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نادعلی، محمد و سمیرا نصیری (۱۳۹۴)، *صنعت نفت و گازشیل: فرصت یا تهدید. فصلنامه روند*، سال بیست‌ودوم، شماره ۷۲، صص ۱۲۹-۱۴۲.
- نیزبیت، جان (۱۳۸۵)، *آسیا به کجا می‌رود: روندهای کلان در آسیا*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نیزبیت جان و پاتریشیا آبردین (۱۳۷۸)، *دنیای ۲۰۰۰: سیاست، اقتصاد و فرهنگ در قرن بیست‌ویکم*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- یاووز، هاکان (۱۳۹۵)، *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*. ترجمه احمد عزیززی، تهران: نشر نی

## ب- منابع انگلیسی

- Barnetta, Jon and Neil Adger (2007) Climate change, human security and violent conflict. *Political Geography*, Volume 26, Issue 6, August. pp 639-655.
- Bell, Wendell (2004) *Foundations of Futures Studies: History, purposes, and knowledge. Volume 1: Human Science for a New Era*. Transaction Publishers, 2004.
- Cherstich, Igor (2014) When Tribesmen do not act Tribal: Libyan Tribalism as Ideology (not as Schizophrenia), *Middle East Critique*. Volume 23, Issue 4, 2014, pp 405-421.
- Evans, Jason (2009) 21st century climate change in the Middle East. *Climatic Change*, February, Volume 92, Issue 3-4, pp 417-432.
- Fargues, Philippe and Alessandra Venturini (Eds) (2015) *Migration from North Africa and the Middle East: Skilled Migrants, Development and Globalisation*. I. B. Tauris.

- Gerges, Fawaz. A (2013) “The Obama approach to the Middle East: the end of America’s moment”, *International Affairs*, Volume 89, Issue 2, 1 March, pp 299-323.
- Lewis ,Bernard (1999) *The Multiple Identities of the Middle East*. Schocken,
- Murinson ,Alexander (2006) The strategic depth doctrine of Turkish foreign policy. *Middle Eastern Studies*, Volume 42, 2006 - Issue 6, pp 945-964
- Naisbitt ,John (1982) *Megatrends: Ten New Directions Transforming Our Lives*. Warner Books.
- Naisbitt, John and Doris Naisbitt (2010) *China's Megatrends: The 8 Pillars of a New Society*. HarperCollins
- Nasr ,Vali (2007) *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. W. W. Norton
- Nasr,Vali (2010) *The Rise of Islamic Capitalism: Why the New Muslim Middle Class Is the Key to Defeating Extremism*. Free Press
- Pal , Jeremy S. and Elfatih A. B. Eltahir (2016) Future temperature in southwest Asia projected to exceed a threshold for human adaptability. *Nature Climate Change*, volume 6, pp197–200
- Parenti ,Christian (2012) *Tropic of Chaos: Climate Change and the New Geography of Violence*. Nation Books
- Pressman,Jeremy (2009) Power without Influence: The Bush Administration's Foreign Policy Failure in the Middle East. *International Security*. Vol. 33, No. 4 ,Spring, pp. 149-179
- Shermon ,Dale (2011) Historical Trend Analysis Analysed. *Journal of Cost Analysis and Parametrics*. Volume 4, Issue 1, pp 52-62
- Verner,Dorte and Jesse Biroscak (2010) Climate Change and the Middle East. Development Horizons. *Quarterly Publication - The World Bank Middle East Department*. Volume 42, 2006 - Issue 6, pp4-9
- Weir ,Shelagh (2007) *A Tribal Order: Politics and Law in the Mountains of Yemen*. University of Texas Press



- Zhang, Xuebin and et al (2005) Trends in Middle East climate extreme indices from 1950 to 2003. *Journal of Geophysical Research*, Vol. 110, IssueD22, 27 November, 1-12.

#### پ- منابع اینترنتی

- Borger, Julian (2007) Darfur conflict heralds era of wars triggered by climate change, UN report warns. *theguardian*. 23 Jun. <https://www.theguardian.com/environment/2007/jun/23/sudan.climatechange>.
- Brew, Gregory (2017) Falling Costs Push Renewable Investment Ahead Of Fossil Fuels. *Oilprice*. Jul 13. <https://oilprice.com/Alternative-Energy/Renewable-Energy/Falling-Costs-Push-Renewable-Investment-Ahead-Of-Fossil-Fuels.html>.
- Broninig, Michel (2008) The Myth of the Shia Crescent. Project syndicate. May 20, <https://www.project-syndicate.org/commentary/the-myth-of-the-shia-crescent?barrier=accessreg>.
- Dang, Hai-Anh and Elena Ianchovichina (2016) Middle-class dynamics and the Arab Spring. in: <https://www.brookings.edu/blog/future-development/2016/03/18/middle-class-dynamics-and-the-arab-spring/>.
- DiChristopher, Tom (2018) US shale oil output is surging. Here's what will keep the boom going. *Cnbc*. 6 March 2018 <https://www.cnbc.com/2018/03/06/us-shale-oil-output-surge-depends-on-cash-logistics-and-tech.html>.
- ESCWA(2014) Arab Middle Class: Measurement and role in driving change. in: [https://www.unescwa.org/sites/www.unescwa.org/files/publications/files/e\\_escwa\\_edgd\\_14\\_2\\_e.pdf](https://www.unescwa.org/sites/www.unescwa.org/files/publications/files/e_escwa_edgd_14_2_e.pdf).
- Eddy, James at el (2018) Five key questions clients ask about our energy demand outlook to 2050. <https://www.mckinsey.com/industries/oil-and-gas/our-insights/five-key-questions-clients-ask-about-our-energy-demand-outlook-to-2050>.
- Frost & Sullivan (2010) World's Top Global Mega Trends To 2020 and Implications to Business, Society and nd Cultures. <http://www.frost.com/sublib/display-report.do?id=M65B-01-00-00-00>.
- Hamid, Shadi (2015) Islamism, the Arab Spring, and the Failure of America's Do-Nothing Policy in the Middle East. *Theatlantic*. OCT 9. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2015/10/middle-east-egypt-us-policy/409537/>.
- Hersh, Seymour (2007) The Redirection. *The New Yorker*. March 5, <https://www>.

- newyorker.com/magazine/2007/03/05/the-redirection.
- Holthaus, Eric (2015) New Study Says Climate Change Helped Spark Syrian Civil War. Slate. MARCH 2 [http://www.slate.com/blogs/future\\_tense/2015/03/02/study\\_climate\\_change\\_helped\\_spark\\_syrian\\_civil\\_war.html](http://www.slate.com/blogs/future_tense/2015/03/02/study_climate_change_helped_spark_syrian_civil_war.html).
  - Hussein, Doaa (2016) Migration of young Arab brains. The Middle East Observer. 20th January, <http://www.meobserver.org/?p=3690>.
  - International Energy Agency (IEA) (2018) Market Series Report: Oil. [https://www.iea.org/bookshop/768-Market\\_Series\\_Report:\\_Oil\\_2018](https://www.iea.org/bookshop/768-Market_Series_Report:_Oil_2018).
  - Max Planck Institute (2016) Climate-exodus expected in the Middle East and North Africa. MAY 02, <https://www.mpg.de/10481936/climate-change-middle-east-north-africa>.
  - McNally, Robert (2018) Shale oil will contribute to future crude price instability. Financial Times. FEBRUARY 20, 2018. <https://www.ft.com/content/1b911cc8-1583-11e8-9e9c-25c814761640>.
  - Otterman, Sharon (2003) IRAQ: The Role of Tribes. Council on Foreign Relations. November 14, 2003 <http://www.cfr.org/iraq/iraq-role-tribes/p7681>.
  - PricewaterhouseCoopers (PwC) (2016), Middle East Megatrends Transforming our region. in available: <https://www.pwc.com/m1/en/publications/megatrends/pdf/megatrends-in-me-transforming-our-region.Pdf>.
  - Roland Berger Strategy Consultant (2012) Trend Compenium 2030. <https://www.rolandberger.com/gallery/trendcompendium/tc2030/content/assets/trendcompendium2030.pdf>
  - Rother, Björn and Et al (2016) The Economic Impact of Conflicts and the Refugee Crisis in the Middle East and North Africa. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2016/sdn1608.pdf>.
  - Rothkopf, David (2014) A Time of Unprecedented Instability?. A interview with Zbigniew Brzezinski. Foreign policy July 21, <http://foreignpolicy.com/2014/07/21/a-time-of-unprecedented-instability/>.
  - Sengupta, Somini (2018) Warming, Water Crisis, Then Unrest: How Iran Fits an Alarming Pattern. new York times. JAN. 18, 2018. <https://www.nytimes.com/2018/01/18/climate/water-iran.html>.

- Silatech and Gallup (2010) Silatech Index: Voices of Young Arabs. January. <http://www.silatech.org/docs/default-source/publications-documents/the-silatech-index-voices-of-young-arabs91f755ea1cec6cff92deff0000037dc4.pdf?sfvrsn=6>
- Sputniknews (2017) Here Comes the Sun: Speedy Growth of Solar Power Signals Global Economic Shift. 17. 09. <https://sputniknews.com/business/201709171057470386-solar-power-rise-affecting-economies/>.
- The Fund for Peace (2017) Fragile States Index. 2017. <http://fundforpeace.org/fsi/excel/>.
- The International Energy Agency (IEA) (2017) World Energy Investment: 2017. <https://www.iea.org/Textbase/npsum/WEI2017SUM.pdf>.
- Tobben,Sheela (2018) Asia Is America's Biggest Crude Buyer. bloomberg. February 9. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-02-09/asia-catapults-to-top-spot-as-america-s-biggest-crude-buyer>.
- Tolba ,Mostafa K. and Najib W. Saab (eds) (2009) Arab Environment: Climate Change. Impact of Climate Change on Arab Countries Arab Forum for Environment and Development (AFED), pVII<http://www.afedonline.org/afedreport09/Full%20English%20Report.pdf>.
- UNCTAD (2018) World Investment Report: FDI inflows, by region and economy, 1990–2017. <http://unctad.org/en/Pages/DIAE/World%20Investment%20Report/Annex-Tables.Aspix>.
- Vali Nasr (2010) The Rise of Islamic Capitalism: Why the New Muslim Middle Class Is the Key to Defeating Extremism. Free Press.
- Walt,Stephen (2017) Making the Middle East Worse, Trump-Style. Foreignpolicy. June 9. <http://foreignpolicy.com/2017/06/09/making-the-middle-east-worse-trump-style-saudi-arabia-qatar-iran-israel/>.
- Walt,Stephen (2018) Trump's Sound and Fury Has Signified Nothing. Foreign policy. January 30,. <http://foreignpolicy.com/2018/01/30/trumps-sound-and-fury-has-signified-nothing/>.